

## واکاوی مفهوم کرامت در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در ساخت شهر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۸

شیمای کشاورزی\*، سید مهدی خاتمی\*\*

### چکیده

کرامت از نگاه اغلب فلاسفه، وصفی ذاتی برای انسان‌هاست و در عین حال ماهیت و ابعاد آن محل بحث بسیاری از متفکران است و نظرات متفاوتی پیرامون آن وجود دارد. به عنوان مثال برخی اندیشمندان کرامت را انتسابی و برخی اکتسابی می‌دانند. این اختلاف نظر، اختصاص به نوع کرامت نداشته و در مباحث مرتبط از جمله منشاء و جایگاه کرامت نیز دیده می‌شود. گزینش هر کدام از آراء، در واقع انتخاب زاویه نگاه ما به جایگاه کرامت است. چنانچه کرامت را مبنای سیاست‌گذاری بینداریم، باید ابتدا خوانش خود را از ابعاد این مفهوم تبیین کنیم تا بر اساس آن به فهم بازتاب آن در ساخت شهر بپردازیم. تبیین این مفهوم در اندیشه اسلامی و فهم بازتاب و کاربست آن در شهرهای مسلمانان، گامی مهم در راستای اخلاقی کردن شهرسازی است و می‌تواند افق‌های جدیدی در این راستا بگشاید. در این مقاله با روشی توصیفی و تحلیلی، کرامت از منظر برخی متفکرین شیعی بررسی و به عنوان مبنای سیاست‌گذاری در شهرسازی تحلیل شده و در نهایت حق بر حکمروایی خوب و حق بر فراگیری شهر از آثار کرامت در راستای ارتقاء کیفیت محیط زندگی شهروندان دانسته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** کرامت، اندیشه اسلامی، حق بر شهر، حکمروایی خوب شهری، شهر فراگیر، شهر انسان‌مدار.

\* دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

\*\* استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

## مقدمه

معرفی آرمان‌شهر و خواست حرکت به سوی تجربه زیستن در شهری آرمانی، جز با شناسایی ارزش‌ها و تعیین جایگاه آنها در شهر مطلوب، میسر نمی‌شود. تعریف فلاسفه از آرمان‌شهر، همواره بر عبور از وضعیت فعلی و واقعی به سوی وضعیتی آرمانی و فرضی استوار بوده است (Mannheim, 1991: 173). حتی در اندیشه فلاسفه‌ای از قبیل مارکس که اساساً ارزش‌های اخلاقی را برساخته‌ای تاریخ‌مند می‌دانند، آرمان‌شهر سوسیالیستی، شهری است که در آن برابری اجتماعی در بالاترین سطح ممکن وجود داشته باشد (Levitas, 1990: 35). در میان اندیشمندان اسلامی، برخی مدینه فاضله را با نظریه «آرمان نامحدود» که مبتنی بر عوامل پنج‌گانه پرستش خداوند، حرکت آگاهانه، حرکت مشقت‌آمیز، تغییر کمی و تغییر کیفی است، دست‌یافتنی دانسته‌اند (حکیم، ۱۳۸۷: ۲۷۰-۲۸۷). نکته جالب توجه در این نظریه آن است که آنچه انسان را به عوامل پنج‌گانه فوق، متمایل می‌کند، کرامت اوست (شفایی، ۱۳۹۸: ۱۷۹). توجه به کرامت، نتیجه این پرسش اساسی است که اگر برای نوع انسان، حقی در جهان اجتماعی قائم؛ استحقاق تمامی افراد بر چه مبنایی استوار است؟ هرچند امروزه، اشاره به کرامت در پاسخ این سوال، با ذهن عرفی شهروندان همخوانی بسیاری دارد؛ اما این به آن معنا نیست که در طول تاریخ، همواره کرامت به عنوان مبنای حق پذیرفته شده باشد. نگاهی به مفاهیم فره‌ایزدی در ایران باستان (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۷۳) و اصل اراده معطوف به قدرت در نظرات نیچه (Doyle, 2018: 138)، نشان از عدم اتفاق اندیشمندان در این زمینه دارد.

برای ساختن یک شهر با ویژگی‌های اسلامی گام اول فهم خوانش‌های متفاوت از شهر اسلامی است. در این راستا دو خوانش برون دینی و دو خوانش درون دینی وجود دارد. از یک سو تأکید بر فرم و عناصر کالبدی شهر و تأکید بر ساختار اجتماعی-سیاسی شهر دو خوانش برون دینی را تشکیل داده و خوانش درون دینی به دو بخش تأکید بر احکام اسلامی (فقه) و عرفان اسلامی تقسیم می‌شود. برخی از محققین با تلفیق لایه‌های تفکر اسلامی و خوانش‌های متفاوت از شهر اسلامی، خوانش جدیدی با عنوان قرانت اخلاقی از شهر اسلامی را پیشنهاد داده‌اند (خاتمی، ۱۳۹۸: ۱۶۵). کرامت یکی از کلیدواژه‌های اخلاق اسلامی است که می‌تواند در تحقق شهر اسلامی کارساز باشد. گرچه دین اسلام بر فضیلت کرامت انسانی تأکید دارد، اما کرامت

واژه‌ای فراتر از یک دین و جهان بینی خاص است و به عبارتی شمولیت بسیار گسترده‌ای دارد. با هم معنا دانستن کرامت با واژه Dignity می‌توان گفت در اعلامیه جهانی حقوق بشر، شش بار از واژه کرامت استفاده شده است که مهمترین کاربرد آن در صدر ماده ۱ این اعلامیه و به این شرح است: «تمام نوع بشر آزاد زاده شده و در کرامت و حقوق یکسان هستند». در این نگاه، هیچ تلقی ماوراءالطبیعی از کرامت ارائه نشده و شاید به همین دلیل در سال ۱۹۹۰ کشورهای اسلامی در قاهره، معنای کرامت را ضمن بند نخست ماده ۱ اعلامیه «حقوق بشر در اسلام»، به خداوند و نحوه آفرینش انسان گره زده‌اند.

در این میان نقش دین هم به عنوان تأکیدکننده بر این فضیلت است و هم می‌تواند خوانشی خاص از این مفهوم برای پیروان آن دین ارائه نماید. آثار متفکرین شیعه و منابع اسلامی به صورت چشمگیری در تبیین کرامت از حیث مبنا و منشاء، غنی هستند. از مهمترین آثار اسلامی در باب کرامت انسانی می‌توان به کتب «کرامت در قرآن» و «فلسفه حقوق بشر» اثر آیت الله جوادی آملی اشاره کرد. منابع مذکور هرچند در تحلیل مفهوم کرامت کم نظیرند؛ اما درباره جایگاه کرامت در برنامه‌ریزی‌های کلان ساکت هستند. منبع دیگری که به صورت تطبیقی به مفهوم کرامت پرداخته، کتاب «کرامت در قرن ۲۱، خاورمیانه و غرب» تألیف دوریس شرودر<sup>۱</sup> است. با وجود غنای بحث در منابع فوق، برقراری مطلوب ارتباط بین کرامت و شهرسازی را باید در آثار غربی جستجو نمود.<sup>۲</sup> گزارش «کرامت با طراحی»<sup>۳</sup> که در سال ۲۰۱۹ توسط موسسه حقوق بشر و کسب و کار<sup>۴</sup> ارائه شده را می‌توان نمونه مطلوبی در زمینه تحلیل کرامت در شهرسازی به حساب آورد. در کنار این گزارش باید به آثاری از قبیل مقاله «جغرافیای شهری کرامت» اثر نورا یاکوبسن<sup>۵</sup> و همکارانش و مقاله «مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی»، تألیف مجتبی رفیعیان و نینا الوندی پور به عنوان نمونه فارسی اشاره کرد. علی‌رغم وجود پیشینه گفته شده، در منابع فوق توجه چندانی به چالش‌های بنیادین مبحث کرامت نشده است. در این پژوهش جهت ساماندهی ارتباط کرامت با شهرسازی، در ابتدا معنای کرامت را همراه با بررسی معنا و منشاء آن تحلیل نموده و در بخش دوم، اصول مستنبط از کرامت معرفی خواهد شد. در ادامه با طرح عنوان مبنا و هدف شهرسازی، جایگاه کرامت در شهرسازی به عنوان مبنا بررسی خواهد شد. در نهایت نیز با برشمردن قواعد قابل استخراج از کرامت، این قواعد و اصول به عنوان ابزارهای رسیدن به هدف شهرسازی، تبیین می‌گردد.

## ۱. معنای کرامت

لغت‌دانان فارسی در تبیین معنای کرامت از واژه‌های ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شان و مقام استفاده کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲۲۶۸/۲). در نزد لغت‌دانان عرب «اگر کرم به عنوان وصف خدا باشد، مراد نعمت و احسان خداوند است و اگر درباره انسان استفاده شود؛ نام اخلاق و افعال پسندیده‌ایست که از او صادر می‌گردد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۰۷). به عقیده کاشانی «واژه کریم به معنای هر چیز پر ارزش است» (شریف کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۵۱ و ۲۵۳). بعضی منابع لغوی دیگر، ذیل ماده «کرم» به عزت در ذات شیء اشاره کرده‌اند (المصطفوی، ۱۳۶۸: ۴۷/۱۰). نکته قابل توجه در این تعریف آن است که کرامت، ارزشمندی و عزت در معنایی استعلائی، بدون تفضیل و برتری نسبت به دیگری است. با توجه به معانی گفته شده می‌توان کرامت را با ارزشمندی مترادف دانست. ارزشمند بودن انسان، موجب آثاری همچون حرمت مال یا نفس او، آزادی و یا برابری می‌شود. به تعبیر المصطفوی:

«... و اما مفاهیمی همچون جود به معنای بخشیدن و اعطاء و سخاوت و صفح به معنای گذشت و بخشش و نیز عظمت و نزاهت و یا اینکه شیء به گونه‌ای باشد که مورد رضایت و ستایش باشد و یا اینکه نیکو بوده و پست نباشد، این معانی همگی از آثار کرامت هستند و نه معنای مطابق آن» (المصطفوی، ۱۳۶۸: ۴۶/۱۰).

بررسی ریشه لغت Dignity به عنوان مترادف کرامت در زبان انگلیسی نشان می‌دهد این واژه برگرفته از عبارت لاتینی Dignitas بوده که خود مشتق کلمه Dignus است. معادل امروزی واژه Dignus را می‌توان Worth به معنای ارزش یا با ارزش دانست (Dillon, 1995: 21). به این ترتیب معنای لغوی کرامت به نحو تطبیقی را باید، «ارزشمندی» خواند. به همین جهت است که برخی اندیشمندان اسلامی معتقدند «دنائت در برابر کرامت و دنی در مقابل کریم است» (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۲۲). در ادامه شناخت معنای کرامت، مختصراً به بررسی استفاده این واژه در میان برخی اندیشمندان اسلامی می‌پردازیم.

مهمترین منابع برای فهم امری در دین اسلام، کتاب قرآن و سنت است. سنت مطابق با دیدگاه شیعی، علاوه بر افعال و تقریر رسول اکرم، شامل رفتار و روایات ائمه اطهار نیز

می‌شود. مهمترین آیه در قرآن کریم در مورد کرامت، آیه ۷۰ سوره مبارک اسراء است که کرامت را عطیه‌ای الهی در نهاد بشر می‌داند<sup>۷</sup>. بسیاری از مفسرین قرآن، اطلاق لفظ «بنی آدم» را شامل تمامی نوع بشر، فارغ از جنسیت و مذهب ایشان می‌دانند (جعفری، ۱۳۷۷: ۱۵۷؛ طباطبایی، بی‌تا: ۲۱۵/۱۳). بنا بر این آیه، کرامت در ذات و جوهر هر شخصی به میزان واحدی نهفته است. در مسیحیت نیز از آن‌رو که انسان تصویری از خداوند است؛ کرامت به جهت انسان بودن، در ذات وی وجود دارد (Soulén, Woodhead, 2006: 56). نکته جالب توجه در بحث کرامت از دیدگاه قرآن، پذیرش کرامت نسبی در کنار کرامت ذاتی برای افراد است. در واقع طبق آیه ۱۳ سوره حجرات<sup>۸</sup>، اشخاص علاوه بر کرامت انتسابی، می‌توانند با رعایت برخی تکالیف، از ارزشمندی بیشتری برخوردار شده و به بیان دیگر واجد کرامت اکتسابی بیشتری باشند. به تعبیر یکی از فلاسفه اسلامی:

«در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده که عبارت است از: ۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها، مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و دیگران، آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند؛ ۲. کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است. ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است» (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹).

چنانچه عدالت را یکی از آثار کرامت اشخاص بدانیم، با استناد به کرامت اکتسابی می‌توانیم از عدالت در معنای سوسیالیستی آن فاصله گرفته و به عدالت رالزی<sup>۹</sup> نزدیک شویم. مطابق با نظریه رالز: ۱. هر شخص باید یک حق برابر نسبت به گسترده‌ترین نظام کامل آزادی‌های اساسی برابر، سازگار با یک نظام آزادی مشابه برای همگان داشته باشد. (اصل آزادی‌های برابر). ۲. نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به نحوی سازماندهی شوند که این نابرابری‌ها هم: الف؛ بر اساس شرایط تساوی منصفانه فرصت، به مناصب و مقامات در اختیار همگان، منسوب باشند و ب؛ بیشترین برخورداری را نصیب محرومترین افراد کنند، که با اصل پس‌اندازهای عادلانه سازگار باشد (ر. ک دادگر، آرمان‌مهر، ۱۳۸۸). با اتخاذ این رویکرد و پذیرش مفهوم کرامت اکتسابی، دیگر لازم نیست برنامه‌ریزی‌های شهری در

و کرامت داشتن انسان است. مهمترین اصلی که با توجه به کرامت می‌توان به آن اشاره کرد، اصل ذی‌حقی انسان است. با وجود این سعی شده است تا در این پژوهش به این اصل اکتفا نکرده و برخی اصول دیگر نیز از مفهوم کرامت استنباط شود.

## ۲.۱. اصل وحدت جوامع

منشاء کرامت در وجود انسان چه از منظر دینی (اسلامی) و چه منظر فطری‌گرایی، ذات اشخاص است. اختلافی که ممکن است بین این دو ایده پیش بیاید؛ تعیین پدیدآورنده کرامت از منظر درون دینی و برون دینی می‌باشد. چنانچه ما نگاهی دینی به مسئله داشته باشیم، خداوند با دمیدن روح خود در بشر به او کرامت اعطا کرده و چنانچه نگاهی غیر دینی را برگزینیم، انسان به جهت انسان بودن واجد کرامت است. در هر صورت آنچه در اینجا اهمیت دارد، حضور کرامت در وجود ابناء بشر است. به همین دلیل در ماده نخست اعلامیه حقوق بشر در اسلام آمده است: «تمامی نوع بشر از یک خانواده بوده که اعضای آن همه در تسلیم بودن در برابر خداوند مشترک و زاده (حضرت) آمدند». این ماده بیان دیگری از شاهکار شاعر قرن هفتم ایران است که گفت «بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند».

با این بیان از اصل فوق، می‌توان اصول دیگری از جمله ۱. اصل لزوم وجود شرایط ترقی برای همگان، ۲. برابری افراد، ۳. اصل لزوم وجود عدالت بین افراد، ۴. اصل جاودانه بودن انسان (از منظر دینی) و ۵. اصل خداجو بودن بشر (از منظر دینی) نام برد. برخی از متفکرین مسلمان از اصل یگانگی جوامع به اصل پیوند تکوینی انسان با مجموعه هستی رسیده‌اند. مطابق با این اصل پلیدی محیط، درون انسان را تیره کرده و تیرگی درون انسان بر وضعیت محیط بیرون موثر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶۶). پذیرش این نظر که امروزه مورد توجه بسیاری از عرفان‌های نوظهور قرار گرفته (رجوع کنید به کتاب جهان هولوگرافیک اثر مایکل تالبوت، ترجمه داریوش مهرجویی) سبب می‌شود تا بیشتر به نقش شهرسازی به مثابه محیط زندگی بر روان افراد توجه کنیم.

## ۲.۲. مسئولیت داشتن حاکمین

مطابق با اصل پیشین، همه ابناء بشر با یکدیگر برابرند. اصل ۵۶ قانون اساسی ایران مقرر داشته: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی

تمامی نقاط شهر یکسان انجام شود و شهر، همچون شهرک‌های شوروی کمونیستی منظره‌ای یک دست و بی‌روح داشته باشد. در احادیث و روایات نیز موارد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد، کرامت مفهومی غیرقابل چشم پوشی نزد پیامبر و سایر ائمه بوده است. برای درک اهمیت موضوع، همراه با رعایت اختصار به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود. پیامبر اکرم فرموده‌اند که «همه مردم مانند دودمان خداوندی هستند و محبوب‌ترین آنان نزد خداوند، سودمندترین آنان برای دودمان خداوندی است» (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۹۱). امیرالمومنین نیز در یکی از معروفترین خطبه‌های خود فرموده‌اند: «ای مردم! حضرت آدم نه بنده‌ای آفرید و نه کنیزی، و همه مردم آزادند. اما خداوند تدبیر و اداره بعضی از شما را به بعضی دیگر سپرده است» (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۸۳). از مطالعه کتاب الهی و روایات موجود در سنت، می‌توان به منشاء کرامت نزد مسلمانان پی برد. به این ترتیب مطابق با اندیشه اسلامی، منشاء کرامت، خداوند متعال است که کرامت را در نهاد انسان به ودیعه گذارده است.

جدول ۱: معنای کرامت (نگارندگان)

| معنای کرامت   |               | منشأ کرامت |
|---|---------------|------------|
| ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت و شأن                          | لغوی          | -          |
| حیثیت طبیعی انسان که خداوند در وی قرار داده است.                | کرامت ذاتی    | اسلام      |
| این کرامت از به کار انداختن استعدادها در مسیر کمال ناشی می‌شود. | کرامت اکتسابی |            |
| کرامت ارزش والای انسان و مبنای آزادی و مسئولیت اوست.            | دینی          | قوانین     |
| کرامت ارزش ذاتی انسان است.                                      | غیر دینی      | فطرت       |

## ۲.۲. اصول مبتنی بر کرامت

همانطور که در مطالب گذشته آمد، کرامت می‌تواند مبنای بسیاری از ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه قلمداد شود. در واقع وقتی با این پرسش‌ها روبرو می‌شویم که چرا انسان باید آزادی عقیده داشته باشد؟ چرا باید به انسان احترام گذاشت؟ چرا مالکیت اشخاص خدشه ناپذیر است؟ چرا نباید به انسان توهین کرد و ... در پاسخ تنها علت ممکن، ارزشمند بودن

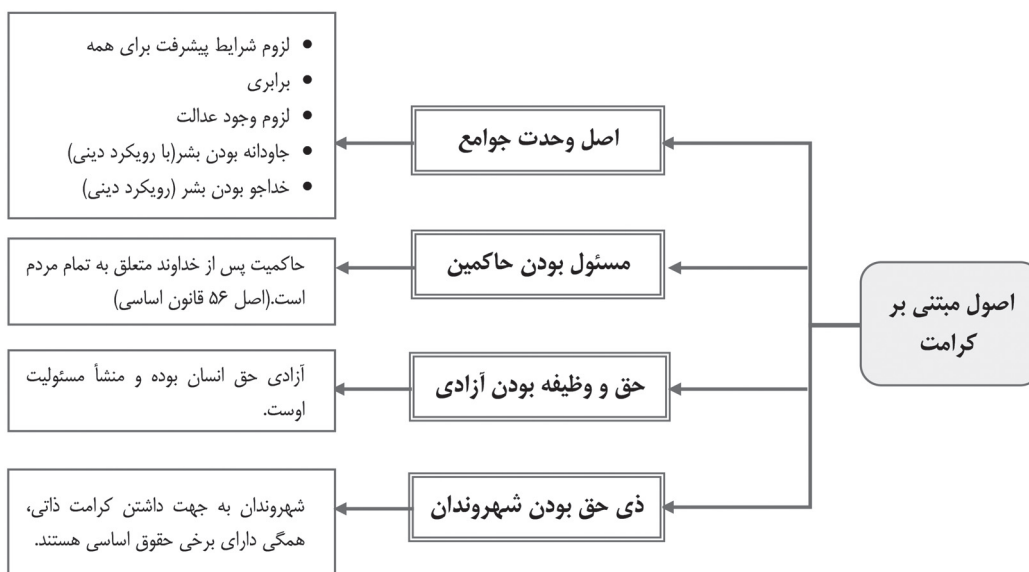
سایر افراد است. باید در نظر داشت که هر تصمیمی که انسان می‌گیرد؛ هرچند کم اهمیت، می‌تواند بر زیست تمام افراد جهان تاثیر بگذارد. مفهومی که به خوبی در آیه شریفه ۳۲ سوره مائده آمده است<sup>۱</sup>. جان‌مایه این اصل را می‌توان در نظرات فلاسفه اگزیستانسیالی مشاهده کرد. از نگاه سارتر انسان از آن رو که موجودی آگاه است؛ اختیار دارد. در واقع قدرت انتخاب انسان ناشی از آگاهی و آزادی اوست. بشر با تعقل و پی بردن به آنچه در شرایط فعلی نیست، تصمیم می‌گیرد و به سمت مطلوب ناموجود حرکت می‌کند. به این ترتیب آزادی همواره برای بشر مسئولیت آفرین است. جمله معروف «انسان، اجبار به آزادی است»، مبین همین امر است (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۲۵). پیوند نزدیک بین آزادی و مسئولیت در جملات ذیل به خوبی بیان شده است:

«روبرو شدن با جهان به طور جدی - که سارتر می‌پندارد برای بشر حتمی است-، دانستن اینکه باب هر چیزی به روی ما گشوده است، دانستن اینکه می‌توانیم هرکاری که می‌پسندیم، انجام دهیم و هر آنچه می‌خواهیم، می‌توانیم باشیم، امری است که اغلب ما تحمل آن را دشوار می‌یابیم؛ زیرا با دریافتن آزادی خود، از تسلاهی عذرها و بهانه‌ها محروم می‌شویم. ... در واقع دیگر کسی نخواهد بود که مسئولیت را بر گردن او

خوبش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقتی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند». به این ترتیب حاکم حقیقی خداوند بوده و بعد از او ملت به جهت برابری با هم، حاکم سرنوشت خوبش قلمداد می‌شوند. مشروعیت حکمران در تمامی نظام‌های سیاسی، جز در مورد معصوم، مبتنی بر اراده مردم بوده و هیچ رهبری بدون مقبولیت نزد شهروندان، مشروعیت نخواهد داشت. این اصل سختی راه حکمرانی را به خوبی روشن می‌سازد. حکام به ویژه به جهت در اختیار داشتن منابع ثروت و قدرت در برابر شهروندان مسئول هستند و انجام مطلوب وظایف آنها در نحوه مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری متبلور خواهد شد.

### ۳.۲. حق و وظیفه بودن آزادی

زمانی که تمامی انسان‌ها با هم برابر باشند و برای آنها ارزشی ذاتی قائل باشیم، باید آنها را در برابر یکدیگر آزاد قلمداد کنیم. همانگونه که دیدیم، امیرالمومنین نیز با اشاره به این امر، آزاد آفریده شدن انسان را مبتنی بر کرامت او می‌دانند. نکته قابل توجه اما اینجاست که کرامت انسان و آزادی او، امری غیرقابل سلب است. به این معنی که آزادی انسان برای او صرفاً امتیاز نبوده و در بسیاری موارد این آزادی موجب مسئولیت او در برابر



شکل ۱: اصول مبتنی بر کرامت (نگارندگان)

بیندازیم» (سارتر به نقل از وارنوک، ۱۳۹۵: ۶۰).

وظیفه انگاشتن آزادی می‌تواند در نظرات شهرسازی، به خصوص مباحثی که مربوط به مشارکتهای عمومی افراد است، جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. این اصل را می‌توان اعم از اصل مسئولیت همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر دانست که مورد تأکید برخی محققین شهرسازی قرار گرفته است (شکوهی بیدهدنی، مطهر، ۱۳۹۹: ۷۰).

#### ۲.۴. اصل محق بودن شهروندان

کرامت در قانون اساسی ایران ارزشی است بنیادین که مبنای بسیاری از ارزش‌های مهم دیگر قرار گرفته است. واژه کرامت در قانون اساسی ایران سه بار استفاده شده است. مهمترین استفاده آن در اصل دوم قانون اساسی است. مطابق با این اصل قانون اساسی، یکی از ارکان اصلی نظام عبارت است از: «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا». در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای جهان هم نگاه مشابهی به کرامت انسانی وجود دارد. کرامت در برنامه‌ریزی‌های کلان کشورهای جهان به عنوان یک مبنا که موجد سایر ارزش‌هاست، عنوان می‌شود. (شهبایی، جلالی، ۱۳۹۱: ۱۰۶). اصل ذی‌حق بودن شهروندان یکی از اصول مهم در شهرسازی است که از کرامت برگرفته شده است. بر همین اساس، این اصل را می‌توان زیربنای تمامی اصول مستنبط از کرامت در شهرسازی از جمله حق شهروندان بر مسئولین و یا حق شهروندان در برابر یکدیگر به حساب آورد. در قسمت چهارم این مقاله مصادیق بیشتری از این اصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### ۳. مبنا و هدف شهرسازی

به طور معمول در تعریف هر علم، موضوع علم و هدف آن مستتر است. موضوع هر علمی معمولاً آن چیزی است که در آن علم از احوال و عوارض او گفتگو می‌شود و قضایای مربوط به او حل می‌شود. به این ترتیب موضوع علم روان‌شناسی، روان‌اشخاص و موضوع علم پزشکی، جسم افراد است. شناسایی موضوع علم شهرسازی از پیچیدگی خاصی برخوردار نیست؛ چراکه همان‌گونه که از اسم این علم برمی‌آید، آنچه مورد مطالعه شهروندان قرار دارد، شهر است. پرسش دیگر آن است که هدف علم شهرسازی چیست؟ برای دریافتن پاسخ این پرسش باید به بررسی تعریف علم شهرسازی بپردازیم. به عقیده برخی از

اندیشمندان شهرسازی عبارت است از «طراحی و برنامه‌ریزی برای شهرها، با در نظر گرفتن احتیاجات اجتماعی و اقتصادی و با توجه به حداقل رساندن مشکلات شهری و پاسخگویی به نیازهای عمومی جمعیت شهری» (شیعه، ۱۳۹۰: ۶). بنابراین هدف علم شهرسازی متوجه شیوه زندگی افراد جامعه است.

بعضی از محققین صراحتاً هدف شهرسازی را اجتماع، برابری اجتماعی و خیر مشترک<sup>۱۱</sup> عنوان کرده‌اند (Talen, 2002: 165). طبیعی است که اجتماع به خودی خود نمی‌تواند هدف شهرسازی قلمداد شود؛ بلکه زیرمجموعه موضوع شهرسازی، یعنی شهر به حساب می‌آید. این نویسنده در مقاله‌ای دیگر، یگانه هدف شهرسازی نوین را ارتقاء سطح برابری اجتماعی توصیف کرده است (Talen, 2008: 277). اهداف گفته شده را می‌توان در «بهبود کیفیت محیط زندگی افراد» خلاصه کرد. پس از شناسایی هدف علم شهرسازی به چالش دیگری خواهیم خورد که مسئله اصلی تحقیق پیش روست و آن هم پاسخ به این پرسش است، که چرا باید کیفیت محیط زندگی اشخاص را ارتقاء داد؟ پاسخ این سوال، مبنای علم شهرسازی را شکل می‌دهد و به عقیده نگارندگان نمی‌تواند چیزی جز کرامت انسان باشد.

بسیاری از محققین پنج عامل برنامه‌ریزان<sup>۱۲</sup>، سرمایه‌گذاران و توسعه دهندگان<sup>۱۳</sup>، مالکان<sup>۱۴</sup>، ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها<sup>۱۵</sup> و در آخر معماران و طراحان<sup>۱۶</sup> را در برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر کرامت موثر دانسته‌اند (IHRB, 2019: 12).

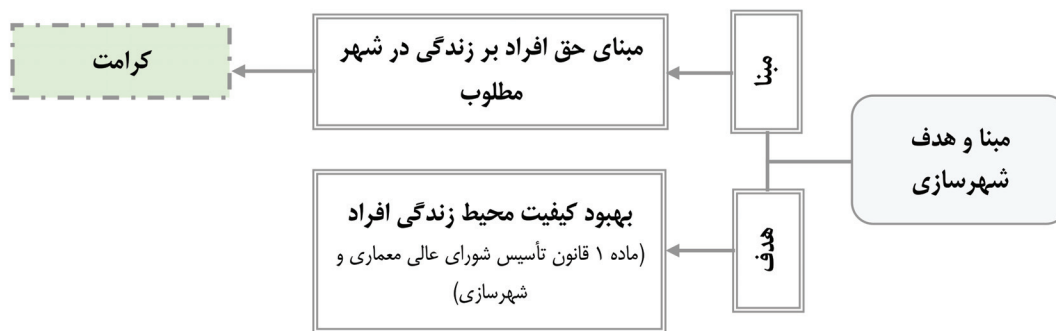
همانطور که اشاره شد کرامت، منشأ حقوق و وظایف نوع بشر است. یکی از مهمترین این حقوق، حق فرد بر محیط زندگی خود است. هرچقدر این حق با دقت بیشتری تأمین گردد، کیفیت محیط زندگی شهروندان نیز ارتقاء پیدا می‌کند. بنابراین رابطه تنگاتنگی بین مبنا، هدف و ابزار رسیدن به این هدف وجود دارد. به طور منطقی باید گفت، هدف همواره با مبنا پیوند داشته و به نوعی تأمین‌کننده اهمیت مبناست. فهم هدف و مبنای شهرسازی به تنهایی کافی برای مقصود ما از این پژوهش نیست؛ بلکه باید ابزاری تعریف کنیم که ما را از مبنا به هدف برساند. ابزاری که منطقیاً مبتنی بر کرامت افراد است. این مهم، دغدغه نویسندگان در بخش پایانی این پژوهش است. پیش از پرداختن به اصول برگرفته از کرامت در شهرسازی باید این نکته را متذکر شد که سازمان ملل متحد برای رسیدن به هدف گفته شده سه اصل حفاظت، احترام و جبران خسارت<sup>۱۷</sup>

حق بر شهر است. اصطلاح حق بر شهر، اصطلاحی است که از دهه هفتاد قرن بیستم به بعد در شهرسازی مطرح شده است. یکی از مشاهیر نظریه حق بر شهر، لوفور فرانسوی است. نظریه حق بر شهر لوفور، بر سه مبنای ۱. شهر محصول رقابت شهروندان با یکدیگر است، ۲. عمومی بودن شهر، عدم تجانس و تنوع را شامل می‌شود و ۳. شهر یک پدیده اجتماعی و عمومی است، استوار می‌باشد (لوفور به نقل از رفیعان، الوندی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۰). به نظر می‌رسد موارد گفته شده را نباید به عنوان مبنای حق بر شهر عنوان کرد؛ بلکه این امور شرایط پیدایش حق قلمداد می‌شوند. تنوع شهر، رقابت شهروندان و پدیده اجتماعی بودن شهر، واقعیاتی هستند که در شهرها وجود دارند. مبنای حق را نمی‌توان واقعیات پنداشت؛ چراکه در این صورت ممکن است به دامان اراده شخص قدرتمند به عنوان منشاء حق گرفتار آییم. مبنای حق باید یک ارزش باشد. کرامت انسان، بنیادی‌ترین ارزشی است که می‌تواند موجب حق باشد. این ایراد صحیح است که کرامت به معنای ارزش، مفهومی نیازمند تفسیر است؛ اما تفسیر اذهان جامعه باید در چارچوب عزتمندی انسان باشد. تصویر چنین ساختاری سبب می‌شود تا اراده شخص قدرتمند، نتواند کرامت را مطابق با میل او تفسیر کند. حق بر شهر بر هر دو جنبه اجتماعی و فردی کرامت استوار است. توضیح آنکه برخی محققین، کرامت را به کرامت انسانی و کرامت اجتماعی<sup>۱۸</sup> تقسیم کرده‌اند (Jacobson and Others, 2009: 726). ایشان تأمین کرامت افراد را از هر دو حیث فردی و اجتماعی، در کنترل و تنظیم مناسب بین دو امر «نیاز به منابع» و «مکان و فضا» می‌بینند. منابع مورد نیاز شهروندان را می‌توان به ۵ دسته تقسیم کرد (Ibid: 727): ۱. الزامات فیزیکی (آب و هوا و غذا)، ۲. شرایط زندگی (امنیت)، ۳. خدمات (درس و

را پیشنهاد داده و برای تأمین اصل اول، دولت‌ها را موظف و در اصل دوم شهروندان را به جهت مشارکت در امور شهری متعهد دانسته است (IHRB, 2019: 26). اصل سوم نیز در صورتی کاربرد دارد که دو اصل نخست مورد سرپیچی قرار بگیرد به قربانیان، زیانی وارد آید. نکات گفته شده همگی قابل استنباط از کرامت در شهرسازی است. البته آنچه در این بخش مطرح نظر نویسندگان است، استنباط اصول شهرسازی از اصولی است که در بخش نخست از مفهوم کرامت برداشت شد. اصولی که در اینجا بررسی می‌شود، همگی می‌توانند در راه رسیدن به هدف شهرسازی، به عنوان ابزار قلمداد شوند. برای مثال، حق بر حکم روایی خوب، حقی مستنبط از کرامت بوده و اجرای آن، وسیله ارتقاء کیفیت زندگی شهری است. ارتقاء کیفیت زندگی در گروه دو مولفه مهم قرار دارد؛ ۱. نخست مولفه‌ای که در برگیرنده مواردی است که به فرآیندهای روانشناختی درونی افراد وابسته‌اند و برای فرد احساس رضایت‌مندی را فراهم می‌آورند و ۲. دوم مولفه‌ایست که شرایط بیرونی را در برمی‌گیرد (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۹). کیفیت محیط زندگی فرد می‌تواند از مهمترین شرایط بیرونی کیفیت زندگی شخص قلمداد شود. در ادامه، ذیل عنوان حق بر شهر، ویژگی‌های عناصر حکمروایی خوب شهر و شهر فراگیر را بررسی می‌کنیم. لازم به ذکر است که این عناصر برگرفته از اصول مبتنی بر کرامت هستند که در قسمت پیشین از کرامت استنباط شدند.

#### ۴. اصول مستنبط از کرامت در شهرسازی

کرامت انسان، مبنای ذی‌حقی اوست. به این ترتیب مهمترین اصل مستنبط از کرامت در شهرسازی، اصل ذی‌حقی شهروندان است. به علاوه یکی از مهمترین حقوق افراد در جامعه شهری،



شکل ۲: مبنا و هدف شهرسازی (نگارندگان)

و با امروزی‌ترین زبان ممکن بیان کرده‌اند. نکته حیرت‌انگیز خطبه مذکور شق دوم حق حاکم بر مردم است که می‌فرماید: «الْتَّصِيْحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيْبِ». این یعنی حضرت نصیحت شدن و یا به عبارت بهتر، نقد شدن حاکم را از جمله حقوق وی و وظایف شهروندان می‌داند. بنابراین در فرآیند مدیریت، هر مدیر باید در برابر اعمال و وظایف خود به شهروندان پاسخگو باشد. زمانی که شخصی برخلاف اصل عدم ولایت، بنا به مقتضیات، مسئولیتی به عهده می‌گیرد، باید مطابق با کرامت افراد در برابر ایشان پاسخگو باشد. در قانون اساسی ایران نیز، کرامت انسانی، مبنای حاکمیت نظام است؛ به همین دلیل حاکمین باید سعی در حفظ و ارتقاء کرامت شهروندان داشته باشند و صورت لطمه دیدن آن، پاسخگو باشند (حبیب زاده، فرج پور اصل مردندی، ۱۳۹۵: ۱۲۴). برای مثال چنانچه طرحی در شهر اجرا می‌شود که مورد استقبال ساکنین قرار نمی‌گیرد؛ باید علت را جویا شود.

پ. **حق بر مشارکت.** آزادی شهروندان مطابق با مفهوم کرامت نه صرفاً یک امتیاز؛ بلکه یک وظیفه محسوب می‌شود. یکی از مهمترین جلوه‌های این وظیفه که با شفافیت ارتباط تنگاتنگی دارد مشارکت است. مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری به ویژه در مرحله تصمیم‌گیری، منوط به رعایت شفافیت توسط مسئولین است.

ت. **حق بر عدم تبعیض.** پیش از این دیدیم که ذاتی بودن کرامت افراد، خواه مبتنی بر اراده خداوند یا نفس انسان بودن باشد، سبب برابری ابناء بشر در نظام آفرینش می‌شود. مبنای اختلاف و تفاوت انسان، کرامت اکتسابی اوست. مسئولین شهری باید در آنچه به کرامت ذاتی افراد مربوط می‌شود، حداقلی از شرایط را بدون توجه به تمایزات جنسی، سنی، نژادی، توانایی جسمی و رنگ پوست و... فراهم آورند (ایازی، ۱۳۸۶: ۲۴).

#### ۲.۴. اصل همه شمولی در شهرسازی

حق بر فراگیر بودن شهر، حقی برآمده از کرامت است که بر شهرسازی فراگیر یا همه شمول تأکید دارد. به عقیده برخی محققین «شهرسازی فراگیر آن نوع شهرسازی است که در آن نیازهای همه شهروندان در نظر گرفته می‌شود. به جای آنکه معیار صرفاً افراد متوسط باشند، باید به فکر کسانی بود که دارای تحرک و توانایی دسترسی کمتری هستند» (مدنی‌پور، ۱۳۸۵: ۲). شهر فراگیر<sup>۱۹</sup>، مستلزم طراحی برای همگان است. طراحی برای همگان به فرآیند طراحی، ساخت و مدیریت مکان‌های

سلامتی)، ۴. وسایل زندگی (کار، حمل و نقل و اطلاعات) و ۵. دارایی‌های اجتماعی (ارتباط جمعی و تفریحی). این نگاه بین اندیشمندان ایرانی نیز وجود دارد. ایشان حق به شهر را به دو دسته حق مشارکت شهری و حق تخصیص فضا، تقسیم کرده‌اند (رفعیان، الوندی‌پور، ۱۳۹۴: ۴۳). برخی دیگر از محققین، کرامت را مبنای حق شهروندان بر محیط زندگی عاری از آلودگی و جامعه بدون فقر دانسته‌اند (Karnitz, 2017: 3). به نظر می‌رسد تمامی این موارد را بتوان در اصل ذی‌حقی شهروندان خلاصه نمود. آنچه اهمیت دارد، تنقیح حقوق شهروندان، تا حد ممکن است. لازم به ذکر است دسته‌بندی‌ای که در ادامه خواهد آمد و حقوقی که ذیل آن برشمرده شده، تنها جهت تقریب ذهن به اهمیت جایگاه کرامت در شهرسازی بوده و نمی‌توان حقوق شهروندی در این موارد خلاصه کرد.

#### ۱.۴. اصل حق بر حکم‌روایی کرامت محور

یکی از شقوق حق شهروندان، حق بر حکم‌روایی کرامت محور است. حکم‌روایی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکم‌روایی شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان مربوط می‌شود (موحد و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۲). حکم‌روایی خوب شهری را نیز باید «فرآیندی بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه مدنی از طرف دیگر» دانست (همان). این حق را می‌توان برگرفته از اصول مسئول بودن حاکمین در برابر شهروندان، شهروندان در برابر شهروندان و شهروندان در برابر مسئولین دانست. ابعاد حق بر حکم‌روایی خوب در شهرسازی و یا به عبارتی، خصیصه‌های حکم‌روایی خوب در برابر شهروندان را می‌توان؛ ۱. پاسخگویی، ۲. شفافیت، ۳. مشارکت، ۴. انصاف و عدم تبعیض، ۵. اجماع‌گرایی، ۶. کارایی و کارآمدی و ۷. پیروی از قانون، نامید (تقوایی، تاجدار، ۱۳۸۸: ۵۲). از بین موارد فوق، چهار بعد زیر از اهمیت بیشتری برخوردار است.

الف. **حق بر شفافیت.** حکمرانان باید تصمیمات خود را به اطلاع شهروندان برسانند. شفافیت باعث می‌شود تا پیش از انجام عمل، بازخورد آن توسط مسئولین سنجیده شود.

ب. **حق بر پاسخگو بودن.** همانطور که دیدیم، یکی از اصول متخذ از کرامت، مسئول بودن حاکمین در برابر شهروندان است. امیرالمومنین در خطبه ۳۴ نهج البلاغه این اصل را به خوبی



فضاهای شهری برای جانبازان و معلولین جسمی و حرکتی» در سه بند وظایف شهرداری تهران را برای خدمت رسانی هرچه بهتر برای معلولین مشخص کرده است. باید اذعان داشت که مبنای قوانین فوق، بدون تردید کرامت شهروندان معلول بوده؛ اما در عمل می‌توان دید که بسیاری از این موارد رعایت نمی‌شود. ب. **حق سالمندان.** انسان در گذر زمان توانایی‌های جسمی و در بسیاری موارد مغزی خود را از دست می‌دهد. فرد با یا به سن گذاشتن، ممکن است حتی بینایی یا قدرت راه رفتن خود را از دست بدهد. در این صورت حق سالمند و حق معلول، هم‌پوشانی خواهد داشت. نکته مهم آن است که ناتوانی سالمندان معمولاً با نیاز آن‌ها به شرکت در گروه‌ها و اجتماعات در محیط‌های شهری که اغلب محیط‌های باز هستند، همراه است. همانطور که درباره معلولین گفته شد، پیاده‌راه‌ها برای سالمندان نیز باید عاری از مانع باشد. علاوه بر این، درباره سالمندان باید به لزوم وجود نور و خوانایی و آدرس‌پذیری محلات اشاره کرد. چنانچه محله از نور مناسب برخوردار نباشد، فرد سالمند ترجیح می‌دهد تا در خانه بماند و این مسئله او را از حقی که بر شهر دارد، منع می‌کند.

پ. **حق زنان.** به نظر می‌رسد شهر با توجه به مردسالار بودن جوامع به طور سنتی، اندام‌واره‌ای مردانه است. از علائمی که می‌توان از آنها به عنوان علائم مردانه در شهر نام برد، باید به سختی، بزرگی، قدرتمندی (در برابر باریک بودن یا ظریف بودن به عنوان کدهای زنانه) و آنچه عمودی و خطی است، اشاره کرد (جنکس به نقل از معینی، ۱۳۹۵: ۴۴). طراحی مردانه شهرها سبب می‌شود تا بسیاری از زنان از اعمال حق خود بر شهر، محروم شوند. برای مثال با اینکه حضور زنان در فعالیت‌های داوطلبانه، ملاقات‌های اجتماعی یا استفاده از مراکز خرید، پررنگ‌تر از مردان است؛ اما مهمترین و ساده‌ترین راه رسیدن به این امکان، معمولاً استفاده از خودروهای شخصی است. این درحالی است که معمولاً در جوامع فعلی، خودروی شخصی بیشتر توسط مردان مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق تحقیقی که در سال ۱۳۹۷ در تهران صورت گرفته است، یکی از نمودهای بارز فضاهای جنسیتی پیاده‌راه‌های شهر به عنوان یک فضای جنسیتی عنوان شده‌اند که زنان شرکت‌کننده در آن پژوهش فعالیت‌های نیازمند درنگ را تا حدود بسیاری بر خود ممنوع کرده‌اند (فنی، احمدی، ۱۳۹۹: ۷۱).

ت. **حق کودکان.** اگر در مردانه بودن فضای شهری تردیدی وجود

پر جمعیت و فضاهایی که قابل استفاده اکثریت مردم هستند و نه فقط تضمین‌کننده منافع برخی از گروه‌ها، اطلاق می‌شود. بنابراین این نوع طراحی به مقوله کیفیت حمل و نقل، فضاها و ساختمان‌ها از نظر دسترسی، عدالت، برابری و تنوع برای استفاده همه شهروندان در محیط انسان ساخت، برمی‌گردد (معینی، ۱۳۹۵: ۳۷). در شهر فراگیر، حقوق شهروندان با توجه به وضعیت خاص آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. در اینجا به جای بیان حقوق کلی از قبیل حق بر حمل و نقل عمومی، حق بر دسترسی آسان، حق بر مسکن مناسب، حق بر امداد در مدیریت بحران یا حق بر دسترسی به فضای مجازی، به حق زنان، سالمندان، معلولین و کودکان توجه شده است. در واقع در تحقیق حاضر به جای متعلق حق، صاحب حق و حقوق او مورد بررسی قرار گرفته است. این حقوق، مبتنی بر کرامت اشخاص بوده و اگر ارزش کرامت اشخاص را در برنامه‌ریزی‌ها نادیده بگیریم؛ ناخودآگاه از حقوق ایشان چشم‌پوشی کرده‌ایم.

الف. **حق معلولین.** یکی از مهمترین اقصاری که معمولاً حقوق آنها در برنامه‌ریزی‌های شهری مورد غفلت قرار می‌گیرد، معلولین هستند. معلولیت را نباید نتیجه ارتباط بین شخص ناتوان و شرایط محیط اجتماعی در نظر گرفت؛ چراکه در این صورت معلولیت نشانگر یک ایراد در شهروندی کامل بوده و می‌توان حقوق ایشان را به عنوان فردی غیرکامل در پروژه‌های شهری نادیده گرفت (گرچی ازندریانی، شیرزاد نظلو، ۱۳۹۷: ۱۳۸). پروژه‌های شهری باید به نحوی انجام پذیرد که معلولین جسمی مشکلی در راه رفتن و طی مسیر با هر وسیله‌ای نداشته باشند. نگاهی به امکانات و تجهیزات شهری، ادعای عدم توجه مسئولین به افراد معلول را اثبات می‌کند. این درحالی است که در کشور ما قوانین مناسبی در زمینه حمایت از حقوق معلولین وجود دارد. برای مثال تبصره ماده ۴ قانون جامع حمایت از معلولان مقرر داشته است: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تربیت بدنی و شهرداریها موظفند کتابخانه، اماکن ورزشی، پارک و اماکن تفریحی خود را به نحوی احداث و تجهیز نمایند که امکان بهره‌مندی معلولان فراهم گردد». تبصره ۲ ماده ۲ این قانون نیز در لزوم رعایت حقوق معلولین مقرر کرده است: «شهرداریها موظفند از صدور پروانه احداث و یا پایان کار برای آن تعداد از ساختمانها و اماکن عمومی و معابری که استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان رارعايت نکرده باشند خودداری نمایند». علاوه بر قانون فوق، ماده واحده «مناسب‌سازی

داشته باشد، در انطباق طرح‌های شهری با ذهنیت افراد بزرگسال شکی وجود ندارد. این درحالی است که عدم امکان حضور مستقل کودکان در محله‌ها و فضاهای شهری امروزی، سبب جدایی آنها از محله و عدم احساس تعلق و تعهد به شهر در ایشان می‌شود. در گذشته محله و خیابان به عنوان مکان بازی کودکان شناخته می‌شد و این امکان سبب آن می‌شد تا کودکان با محله و جوامع محلی آشنا شوند. این آشنایی تا حدی بود که کودکان می‌توانستند به طور مستقل و فعال در محله حضور داشته و رفت و آمد کنند. اما امروزه به سبب ویژگی‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری، جایگاه کودکان در محیط‌های زندگی‌شان تغییر یافته و والدین مجبور به نگهداری کودکان در محیط بسته آپارتمان هستند. از بین رفتن اعتماد به نفس که به طور آشکاری با نقض شدن کرامت کودکان در طرح‌های شهری ارتباط دارد، آینده شهر را به مخاطره می‌اندازد. باید توجه داشت که نقض کرامت هر یک از اقدار شهروندان، در نهایت ضربه به هدف شهرسازی، یعنی بهبود کیفیت محیط زندگی آنها تلقی شده و در مقیاس کلی حکمرانی، تأثیری مخرب خواهد داشت. به علاوه آنچه گفته شد، توسعه شهرها بر اساس پیشرفت‌های صنعتی و ماشینی شدن جوامع، موجب تخریب طبیعت در بسیاری از موارد، ترافیک و همینطور آلودگی شده است. بدون تردید این مسائل بیش از هر قشری، کودکان را هدف آسیب قرار خواهد داد (توکلیان، سینایی، ۱۳۹۷: ۶۲).

| جدول ۲: اصول مستنبط از کرامت در شهرسازی (نگارندگان) |                               |                         |
|---|-------------------------------|-------------------------|
| اصول مستنبط از کرامت در شهرسازی                     |                               |                         |
| حق بر شفافیت  | اصل حق بر حکمروایی کرامت محور | اصل ذی حق بودن شهروندان |
| حق بر پاسخگو بودن                                   |                               |                         |
| حق بر مشارکت  |                               |                         |
| حق بر عدم تبعیض                                     |                               |                         |
| حق معلولین  | اصل همه‌شمولی در شهرسازی      |                         |
| حق سالمندان   |                               |                         |
| حق زنان   |                               |                         |
| حق کودکان   |                               |                         |

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مفهوم کرامت، نه فقط در شهرسازی؛ بلکه در فلسفه سایر علوم نیز مفهومی پیچیده و پراهمیت است. بررسی دیدگاه‌های

## پی‌نوشت‌ها

1. Dignity in the 21st Century Middle East and West by Doris Schroeder.
۲. البته از بین مقالات با این موضوع می‌توان به مقاله «مقدمه بررسی جایگاه کرامت انسانی در برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی اسلامی» تالیف اکبر کیانی و احمد رئیسی اشاره کرد که از نظر نگارنده در تحلیل مفهوم کرامت و برقراری ارتباط بین آن و شهرسازی به نتیجه جدیدی دست نیافته‌اند.
3. Dignity by Design.
4. The Institute for Human Rights and Business (IHRB).
5. Nora Jacobson.
6. <https://www.etymonline.com/search?q=dignity>
۷. و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بز و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.
۸. ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند. همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.
9. John Rawls Theory of Justice.
۱۰. هر کس دیگری را جز برای قصاص یا مبارزه با فسادگری بکشد، گویا همه مردم را کشته است.
11. Community, Social Equity and the Common Good.
12. Planners.
13. Investors and Developer.
14. Owner.
15. Construction an Engineering.
16. Architects and Designers.
17. Protect, Respect, Remedy.
18. Human Dignity and Social Dignity.
19. Inclusive city.

## منابع

- احمدی، بابک (۱۳۹۴). **سارتر که می‌نوشت**، چ ۵، تهران: نشر مرکز.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۶). «**کرامت انسان و آزادی در قرآن**»، بینات، شماره ۵۳، ۱-۳۶.
- پیلوار، رحیم (۱۳۹۳). **فلسفه حق ملکیت**، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تقوایی، علی اکبر، تاجدار، رسول (۱۳۸۸). «**درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی**»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳، ۴۵-۵۸.
- توکلیان، فائزه، سینایی، نسترن (۱۳۹۷). «**بررسی تطبیقی حقوق کودکان در شهرسازی ایران و جهان**»، نخبگان علوم و مهندسی، دوره ۳، شماره ۱، ۶۲-۷۸.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰). «**حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب**»، چ ۱، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین الملل جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۷). «**پیام خرد**»، چ ۱، تهران: موسسه کرامت. جلیلی، تورج، جهان نژاد، عارف، بهشتی اصل، یونس، جهانپانی پور، پژمان، «**بررسی نقش طراحی در بیمارستان از لحاظ روانشناختی**»، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین، تیر ۱۳۹۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). «**فلسفه حقوق بشر**»، چ ۶، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). «**کرامت در قرآن**»، چ ۳، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حبیب زاده، توکل، فرج پور اصل مردندی، علی اصغر (۱۳۹۵). «**کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون**»
- اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، ۱۱۵-۱۳۷.
- حبیبی، محسن (۱۳۹۰). «**شهرسازی؛ تخیلات و واقعیات**»، چ ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- حکیم، محمدباقر (۱۳۸۷). «**جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم**»، ترجمه: موسی دانش، چ ۱، مشهد مقدس: بنیاد پژوهشهای اسلامی. خاتمی، مهدی (۱۳۹۸). «**باز اندیشی در مفهوم شهر اسلامی؛ تحلیلی پیرامون برداشت های مختلف از مفهوم شهر اسلامی و تبیین ضرورت خوانش اخلاقی**»، نقش جهان، دوره ۹، شماره ۳، ۱۵۷-۱۶۶.
- دادگر، یدالله، آرمان مهر، محمدرضا (۱۳۸۸). «**بررسی و نقد مبانی معیار عدالت اقتصادی رالز**»، پژوهشنامه علوم اقتصادی، سال ۹، شماره ۳۵، ۳۷-۶۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). «**فرهنگ متوسط دهخدا**»، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). «**المفردات فی غریب القرآن**»، چ ۱، بیروت: دارالعلم.
- رفعیان، مجتبی، الوندی پور، نینا (۱۳۹۴). «**مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی**»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۲، ۲۵-۴۷.
- گرگی ازندریانی، علی اکبر، شیرازد نظرو، زهرا (۱۳۹۷). «**جایگاه حقوق معلولین در حوزه حقوق شهری**»، مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۶، ۱۳۷-۱۶۳.
- فتی، زهره، احمدی، لیلا (۱۳۹۹). «**زنان و جستجوی حق به شهر در پیاده‌راه‌های جنسیتی (مورد مطالعه: منطقه ۶ شهرداری تهران)**»، توسعه اجتماعی، دوره ۱۵، شماره ۱، ۷۱-۱۰۰.

لطفی، صدیقه (۱۳۸۸)، «مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری»، جغرافیای انسانی، سال ۱، شماره ۴، ۶۵-۸۰.

مدنی‌پور، علی (۱۳۸۵)، «شهرسازی فراگیر»، همایش ملی مناسب سازی محیط شهری، ۱-۱۶.

مشایخی راد، شهاب‌الدین (۱۳۸۸)، **کرامت انسان از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله**، چ ۱، قم: طه.

المصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، چ ۱، تهران: نشر وزارت ارشاد.

معینی، مهدی (۱۳۹۵)، **شهر همگان**، چ ۱، تهران: آذرخش.

موحد، علی، کمانرودی، موسی، ساسانیور، فرزانه، قاسمی کفرودی، سجاد (۱۳۹۴)، «بررسی حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۹ شهرداری تهران)»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال ۲، شماره ۷، ۱۴۷-۱۷۶.

وارنوک، مری (۱۳۹۵)، **اگزستانسیالیسم و اخلاق**، چ ۳، تهران: ققنوس.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۹)، **تضاد دولت و ملت در ایران**، چ ۷، تهران: نشر نی.

شریف کاشانی، ملاحیب الله (۱۳۸۴)، **اسماء الله الحسنی**، مترجم و شارح: محمد سول دریایی، چ ۱، تهران: صائب.

شفایی، امان الله (۱۳۹۸)، «**جایگاه کرامت انسانی در جامعه آرمانی قرآنی**»، حکومت اسلامی، سال ۲۴، شماره ۹۱، ۱۶۸-۱۹۳.

شکوهی بیدهندی، محمد صالح، مطهر، رضا (۱۳۹۹)، «**ارزیابی جایگاه کرامت انسانی (مبتنی بر آرا امام موسی صدر) در سیاست‌گذاری نوسازی شهری؛ مورد پژوهشی: راهبرد اقتصادی نوسازی در طرح جامع تهران**»، پژوهش‌های معماری اسلامی، سال ۸، شماره ۲۶، ۶۳-۸۱.

شهبایی، مهدی، جلالی، مریم (۱۳۹۱)، «**تأثیرپذیری منبع قاعده ی حقوقی از منشأ الزام آوری قاعده ی حقوقی**»، حقوقی دادگستری، سال ۷۶، شماره ۷۷، ۹۹-۱۳۳.

شیعه، اسماعیل (۱۳۹۰)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری**، چ ۲۹، تهران: مرکز نشر دانشگاه علم و صنعت.

صدر، موسی (۱۳۹۰)، **برای زندگی**، مترجم: مهدی فرخیان، چ ۱، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

طباطبایی، محمد حسین (بی‌تا)، **تفسیر المیزان**، مترجم: موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.

Bayerts, Kurt (2012), *Sanctity of Life and Human Dignity*, 3<sup>rd</sup> Ed, London: Kluwer Academic Publishers.

Cicero, Marcus Tullius (2015), *De Officiis*: (English Edition), London: William Heinemann.

Dillon, Robin S. (1995), *Dignity, Character, and Self-respect*, 2<sup>nd</sup> Ed, New York: Routledge.

Doyle, Tsarina (2018), *Nietzsche's Metaphysics of the Will to Power: The Possibility of Value*, 1<sup>st</sup> Ed, Cambridge: Cambridge University Press.

IHRB (The Institute for Human Rights and Business) (2019), *Dignity by Design*, Eastbourne: The Institute for Human Rights and Business.

Jacobson, Nora, Vanessa, Oliver, Koch, Andrew (2009), *"An urban geography of dignity"*, Health & Place, Vol: 15, 725-731.

Killmister, Suzy (2010), *"Dignity: not such a useless concept"*, Journal of Medical Ethics, Vol. 36, No. 3, pp. 160-164.

Levitas, Ruth (1990), *The Concept of Utopia*, 1<sup>st</sup> Ed, Hertfordshire: Syracuse University Press.

Machiavelli, Niccolò (1903), *The prince*, Translator: Luigi Ricci, 1<sup>st</sup> Ed, London: Grant Richards.

Macklin, Ruth (2003) *Dignity is a useless concept*. BMJ

(Online Article), 327:1419-1420

Malpas, Jeff, Lickiss, Norelle (2007), *Perspectives on Human Dignity: A Conversation*, 2<sup>nd</sup> Ed, Ebook: Springer.

Mannheim, Karl (1991), *Ideology and Utopia*, 3<sup>rd</sup> Ed, New York: Routledge.

Mohseninia, Zeinab (2014), *"Evaluating the Physical Functional Indicators Affecting Women's Safety in Urban Spaces (Case study: Shahin Area 5th Region, Tehran)"*, Journal of Civil Engineering and Urbanism, Volume 4, Issue 4: 467-473.

Soulen, R. Kendall, Woodhead, Linda (2006), *God and Human Dignity*, 1<sup>st</sup> Ed, Michigan: Eerdmans Publishing.

Talen, Emily (2002), *"The social goals of new urbanism"*, Housing Policy Debate, Vol: 13, 165-188.

Talen, Emily (2008), *"New Urbanism, Social Equity, and the Challenge of Post-Katrina Rebuilding in Mississippi"*, Journal of Planning Education and Research, Vol 27, Issue 3, 277- 293.

Tristan, Karsnitz (2017), *"Dignity and Urbanization in Bhutan"*, Delaware Law, Online Issue in ["https://delawarelaw.widener.edu/files/resources/tkarsnitzdignityandurbancenters.pdf"](https://delawarelaw.widener.edu/files/resources/tkarsnitzdignityandurbancenters.pdf).